

واگذاری سرمایه خارجی (ساز و کارهای سرمایه خارجی)

مصطفی افضلی گروه^۱، حسن رحیم زاده میبیدی^۲

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی میبد و عضو مرکز وکلای قوه قضاییه (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، میبد، ایران

چکیده

امروزه رشد جریان‌های سرمایه بین‌المللی یکی از پدیده‌های جهانی شدن است. در سه دهه اخیر انتقال سرمایه به کشورهای در حال توسعه افزایش داشته، اما پس از این جهش بزرگ، بحران مالی بین‌المللی که از سال ۱۹۹۷ به بعد شروع شد موجب تأثیر در کاهش میزان منافع حاصل از انتقال سرمایه به کشورهای در حال توسعه گردید و نوسان انتقال سرمایه به طور معناداری سبب کاهش رشد اقتصادی در این کشورها شد. ارتباط بین رشد بهره‌وری و انتقال سرمایه خصوصی با گذشت زمان تقویت شد. منافع حاصل از بهره‌وری انتقال سرمایه به کشورها موجب توسعه فیزیکی ساختارهای زیربنایی، تجارت فردی، سیستم‌های تجارت آزاد و توانایی جذب سرمایه‌گذاری شد. انتقال سرمایه به رشد اقتصادی مثبت و پویایی منتهی می‌شود و بیشتر شامل کشورهایی می‌شود که شرایط جذب سرمایه‌گذاری خارجی در آن‌ها فراهم باشد و منافع بلندمدت سرمایه‌گذاران خارجی را تأمین کند. جریان سرمایه خارجی به کشورهای در حال توسعه موجب رشد نیروی انسانی تحصیل کرده، گسترش بخش‌های اصلی اقتصاد، ایجاد بازارهای سرمایه کارآمد و ایجاد شرایط مناسب تجاری شده است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه گذاری خارجی، انتقال سرمایه، انتقال فناوری، قراردادهای، تجارت بین‌الملل.

مقدمه

اهمیت روز افزون سرمایه گذاری خارجی و رقابتی که بین کشورها در جذب بیشتر آن صورت می گیرد، یکی از گسترده ترین و در عین حال پر مناقشه ترین مباحث حقوق بین الملل می باشد. در سرمایه گذاری خارجی کشور صاحب سرمایه از طریق انتقال وجوه یا مواد اولیه جهت استفاده در یک بنگاه اقتصادی در کشور سرمایه پذیر در ازای مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم، سرمایه گذاری در سبد سهام، سرمایه گذاری مشترک، قرارداد مشارکت در تولید، قرارداد (بی. او. تی) و قراردادهای (ساخت، بهره برداری، واگذاری) در عواید آن بنگاه اقدام به سرمایه گذاری می نماید. سرمایه گذار خارجی برای انتخاب محل سرمایه گذاری گزینه های متعددی را دارد. لذا در اتخاذ تصمیم به عوامل مختلفی از جمله سود و زیان و نیز محیط اقتصادی و حقوقی کشور میزبان توجه می کند و طبیعتاً کشوری را انتخاب می کند که سود بیشتری می تواند عاید او کند و هم خطرات کمتری متوجه او نماید و هم شرایط و محیط مناسب برای فعالیت سرمایه اش وجود داشته باشد و از جمله عواملی که بسیار بر تصمیم سرمایه گذار مؤثر هستند، عوامل حقوقی و به طور کلی نظام حقوقی کشور سرمایه پذیر می باشد. نظام حقوقی در سه مرحله در سرنوشت سرمایه گذاری مؤثر است، یکی در مرحله ورود و خروج سرمایه، دیگری در مرحله فعالیت و جریان سرمایه و سوم هم در حل و فصل اختلافات فی ما بین. در کشور ایران قوانینی حاکم است که محدودیت هایی برای جذب بیشتر سرمایه گذاری خارجی ایجاد نموده است که از آن جمله می توان، قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱، اصولی از قانون اساسی، قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۹۱، قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۴۷ و نهایتاً قانون حل و فصل اختلافات فی ما بین را بر شمرد و نیز برای جذب و جلب هرچه بیشتر سرمایه گذاری خارجی می توان به ایجاد بستری مطمئن و با ثبات همراه با تدوین قوانین و مقررات تسهیل کننده و حذف بروکراسی اداری اشاره نمود. ثبات یا عدم ثبات سیاسی، رشد اقتصادی، بهای نیروی انسانی، ساختار پولی و مالی، نظام حقوقی و قضائی و نیز ویژگی های فرهنگی کشور می تواند از جمله موضوعات جذب سرمایه گذاری خارجی تلقی شود و یا برعکس مانع ورود سرمایه خارجی گردد. سرمایه گذار خارجی در کشور سرمایه پذیر به سود حاصله از سرمایه گذاری و نیز امکان بازگشت سرمایه و عوائد حاصله می اندیشد و نیازمند محیطی آرام و با ثبات جهت فعالیت و کار در حرفه موردنظر است. موارد مذکور چه در کشورهای در حال توسعه و چه در کشورهای پیشرفته می تواند از عوامل مؤثر در جذب سرمایه خارجی باشد. ساختار حقوقی و نظام قضائی کشور سرمایه پذیر بیشترین نقش را در اطمینان بخش کردن محیط برای جذب سرمایه گذار خارجی دارد. چگونگی فعالیت شرکت های خارجی، نحوه حل و فصل اختلافات و مقررات مالیاتی و نیز مقررات مربوط به حقوق کار و حتی مقررات جزائی همه و همه در قانون بیان می گردد و می تواند سرمایه گذاری را تسهیل کند. در عین حال قانون می تواند، مهمترین مانع

سرمایه گذاری خارجی در کشور نیز باشد. حتی با وجود مساعدترین زمینه های اقتصادی برای سرمایه گذاری خارجی، در صورتی که قانون در این خصوص مبهم باشد و یا حاوی مقررات دست و پاگیر و دشوار باشد، امکان سرمایه گذاری خارجی را منتفی می سازد.

۱- مفهوم سرمایه گذاری مستقیم و غیر مستقیم خارجی

به خرید یا اکتساب بخش قابل توجهی از یک کسب و کار که امکان اعمال کنترل بر آن شرکت را فراهم می کند، سرمایه گذاری مستقیم گفته می شود. این نوع سرمایه گذاری به هر وسیله ای غیر از خرید سهام انجام می شود. هدف سرمایه گذاری مستقیم، به دست آوردن کنترل کافی یک شرکت است تا بتوان بر تصمیمات آینده کنترل و اثرگذاری داشت. این کار می تواند با اکتساب سهم اکثریت یا اکتساب سهم قابل توجه اقلیت به دست آید. سرمایه گذاری های مستقیم می توانند شامل مشارکت در مدیریت، سرمایه گذاری مشترک یا به اشتراک گذاشتن تکنولوژی و یا مهارت ها باشد. سرمایه گذاری مستقیم خارجی که گاه از آن به مشارکت تجاری بین المللی تعبیر می شود، مهمترین و اقتصادی ترین روش انتقال تجاری فناوری به حساب می آید. (اخلاقی و بیابان گرد، ۱۳۷۹، ۱۷) از جمله مزایای سرمایه گذاری مستقیم خارجی می توان به بهبود تراز پرداخت ها، افزایش اشتغال، افزایش صادرات، ورود تکنولوژی و دانش فنی و بهبود مهارت ها اشاره کرد. به عبارت دیگر سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) به دلیل آثار توسعه های خود در کشورهای جهان، مخصوصاً کشورهای در حال توسعه، نظیر انتقال فن آوری، اشتغال زایی، بهبود حساب سرمایه و نقش مکملی در قبال سیاست های جانشینی واردات و توسعه صادرات و ...، همچنین فراهم کردن منافع بیشتر برای سرمایه گذاران درگیر در اینگونه سرمایه گذاری ها از طریق انتقال هر یک از اجزای ساز و کار تولید به کشورهای خارجی برای کاهش هزینه تولید و نیز دستیابی به بازارهای جهانی، مقبولیت بسیار یافته است. در بند الف ماده ۳ قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی در زمینه هایی که فعالیت بخش خصوصی در آن مجاز می باشد، اشاره نموده است. شکل معمول و سنتی سرمایه گذاری مستقیم بین المللی عبارتست از اینکه، یک سرمایه گذار مؤسسه تجاری خارجی از یک کشور خاص، سرمایه لازم را برای فعالیت اقتصادی در کشور دیگری تأمین و تزریق می کند و سرمایه گذار با حضور فیزیکی در محل سرمایه گذاری، مستقیماً کنترل و اداره واحد را در کشور میزبان در دست می گیرد. از دید حقوقی و تخصصی، سرمایه گذاری مستقیم بین المللی عناصر خاص خود را دارد. برای تعریف دقیق این نهاد و عناصر آن، یکی از بهترین منابع، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی می باشد. تعریف سرمایه گذاری مستقیم بین المللی و عناصر آن بر اساس سازمان مذکور عبارتست از: الف) سرمایه گذاری مستقیم بین المللی: نوعی از سرمایه گذاری فرامرزی است که توسط شخص مقیم یک اقتصاد که به او سرمایه گذار مستقیم می گویند در یک مؤسسه اقتصادی مقیم در اقتصاد جز اقتصاد متبوع

سرمایه‌گذار که به آن مؤسسه، مؤسسه سرمایه‌گذاری مستقیم می‌گویند با هدف برقراری علاقه پایدار در آن مؤسسه اقتصادی به عمل می‌آید. انگیزه سرمایه‌گذار مستقیم از این عمل یک رابطه دراز مدت و استراتژیک با مؤسسه سرمایه‌گذاری مستقیم می‌باشد و درصدد است نفوذ خود را به نحو قابل ملاحظه‌ای در مدیریت آن مؤسسه تضمین نماید. (ب) علاقه پایدار: به این معنی است که سرمایه‌گذار مستقیم دارای دست کم ده درصد حق رأی در مؤسسه سرمایه‌گذاری مستقیم باشد. (ج) مؤسسات سرمایه‌گذاری مستقیم به سه صورت ممکن است موجود باشند: ۱- شرکت‌های کاملاً وابسته یعنی شعبه مؤسسه سرمایه‌گذار که صددرصد متعلق به مؤسسه سرمایه‌گذار می‌باشند. ۲- شرکت‌هایی که به صورت شرکت فرعی مؤسسه سرمایه‌گذار اداره می‌شوند یعنی مؤسسه در آن‌ها بیش از پنجاه درصد حق رأی دارد. ۳- شرکت‌های پیوسته یعنی حق رأی مؤسسه سرمایه‌گذاری مستقیم در آن‌ها بیش از ده درصد ولی کمتر از پنجاه درصد است. در مورد جذب FDI همین بس که در متون جدید اقتصاد توسعه، آن را مترادف با توسعه اقتصادی می‌دانند. یعنی هر کشوری شعبه‌های بیشتری از بنگاه‌های فراملی جذب کرده باشد، توسعه یافته‌تر است. بنگاه‌های فراملی که به امر سرمایه‌گذاری در سایر کشورها مبادرت می‌ورزند، برای تصمیم‌گیری در مورد انتخاب کشور میزبان، از بین بدیل‌های گوناگون، کشور یا کشورهایی را بر می‌گزینند که خصوصیاتشان در نهایت موجب بیشتر شدن سود آن بنگاه‌ها شود: نظیر دسترسی به بازارها، قانون و مقررات دوستدار سرمایه‌گذاری، وجود زیرساخت‌های مناسب. (پیران، ۱۳۹۳، ۲۱) منظور از سرمایه‌گذاری غیرمستقیم اعمالی هستند که صرفاً به منظور تحصیل سود، انجام می‌گیرد و معمولاً شامل خرید سهام و اوراق قرضه خارجی توسط سرمایه‌گذاران شخصی، شرکت‌های بیمه، مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری و مالی و ... می‌شود. این نوع سرمایه‌گذاری به سرمایه‌گذاری در تأمین سهام نیز مرسوم است. سرمایه‌گذاری‌های اسناد مستلزم تضمین‌های خارجی به وسیله افراد یا مؤسسات، بدون کنترل یا بلافاصله در مدیریت شرکت‌های مربوطه می‌باشد. در واقع سرمایه‌گذاری غیرمستقیم معمولاً از طریق اعطای وام و اعتبار خرید اوراق قرضه و سهم شرکت‌ها در بورس انجام می‌گیرد. در این حالت سرمایه‌گذار در اداره واحد دخالت مستقیم نداشته و مسئولیت مالی نیز متوجه وی نیست. تشکیل شرکت‌های سرمایه‌گذاری و نفوذ در بازار بورس برای خرید و فروش سهام کارخانجات امروزه بسیار رایج و متداول است نوع سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در ایران به جز در چند سال قبل از انقلاب چندان متداول نبوده و لیکن در نوع سرمایه‌گذاری مستقیم به ویژه سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی، همواره سعی کرده‌اند با تملک اکثریت سهام مستقیماً اداره امور واحدها را به دست گرفته و حاکمیت داشته باشند. سرمایه‌گذاران موقعی که احساس کنند سود سهامشان یا قیمت‌های دارایی‌های سهام آن‌ها رو به کاهش است سعی می‌کنند با فروش سهام خود در بازارهای ثانویه، سرمایه‌گذاری خود را به نقدینگی تبدیل کنند. از طرف دیگر، بنگاه‌های فراملیتی بیشتر تمایل دارند که دوره بلندمدت تری را برای سرمایه‌گذاری خود در نظر بگیرند. (زارع، ۱۳۸۵،

۲- قراردادهای ساخت، بهره برداری و واگذاری (BOT)^۱

یکی از اشکال جدید جهت تأمین مالی طرح‌ها که در عمل مورد توجه فراوان قرار گرفته، «بی او تی» می‌باشد. در این روش ساخت، بهره برداری و واگذاری پروژه به دولت میزبان، پس از طی مدت معین تحقق می‌یابد. این گونه قراردادهای ماهیت مشابه دارند و در انواع روش‌های زیر به کار می‌رود که عبارتند از: BOOT (ساخت، مالکیت، بهره‌برداری و واگذاری)، BOO (ساخت، مالکیت، بهره‌برداری)، BOOST (ساخت، مالکیت، بهره‌برداری، یارانه و واگذاری)، BRT (ساخت، اجاره و واگذاری). نوع سوم سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب ترتیبات قراردادی که در بند «ب» ماده ۳ قانون سرمایه‌گذاری مورد توجه قرار گرفته «ساخت، بهره‌برداری و واگذاری» می‌باشد که به اختصار تحت عنوان بی.او.تی شهرت یافته است. این روش بدین جهت مورد توجه کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است که آن‌ها دریافته‌اند بدون حضور و مشارکت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی اعم از داخلی و خارجی جوابگوی تقاضای رو به افزایش در بخش زیر بنای اقتصادی نمی‌باشند. (شیروی، ۱۳۸۴، ۸) این روش به بخش خصوصی به ویژه سرمایه‌گذاران خارجی این امکان را می‌دهد تا در پروژه‌های زیر بنایی و عمومی مشارکت کنند، بدون آن که این پروژه‌ها به طور کامل از کنترل دولت خارج و یا مالکیت آن‌ها به طور کلی به بخش خصوصی واگذار شوند. قرارداد (بی او تی) این امکان را فراهم می‌آورد که پروژه‌های بزرگ زیر بنایی بدون آنکه بخش خصوصی از اختیار دولت خارج شود، انجام گردد. اینگونه قراردادهای به طور عمده در طرح‌های زیر بنایی و عمومی همانند نیروگاه‌ها، جاده‌ها، تونل‌ها و پل‌ها، خطوط انتقال نفت، گاز و استخراج معدن‌ها انجام می‌شود. با این حال امروزه ساخت هتل‌ها و مراکزهای تفریحی و توریستی و راه‌اندازی مراکزهای درمانی و بهداشتی و برنامه‌های کامپیوتری و غیره در کنار پروژه‌های سنگین زیر بنایی موضوع قراردادهای بی.او.تی واقع می‌گردند. در روش بی.او.تی، شرکت مشترک یا کنسرسیومی از سرمایه‌گذاران خصوصی با دولت یا شرکت‌های دولتی توافق می‌نمایند که مطابق قرارداد، تأمین مالی یک طرح زیربنایی را عهده‌دار شوند و در آن سرمایه‌گذاری نمایند. بدین صورت شرکت مزبور که شرکت پروژه نامیده می‌شود با هزینه و منابع مالی خود یا آنچه تعهد تأمین آن را دارد، تأسیسات موضوع پروژه را احداث و راه‌اندازی کند و در یک دوره معین که دوره امتیاز نامیده می‌شود، در ازای مخارجی که تقبل کرده است از آن بهره‌برداری نماید. به گونه‌ای که در طول این مدت سرمایه و سود شرکت، از محل فروش محصول یا اخذ عوارض مستهلک می‌گردد. پس از سپری شدن این مدت کلیه تأسیسات احداثی با کلیه لوازم آن و به عبارت دیگر، پروژه و حق استفاده از آن به واگذارکننده پروژه یعنی دولت میزبان، انتقال می‌یابد. (ابراهیمی، ۱۳۸۵، ۲۳۰) از جمله دلایل اصلی تنظیم ماده ۳ قانون سرمایه‌گذاری به صورت حصری، اجتناب از زیر پوشش قرار دادن استقراض خارجی

^۱ - build operate transfer.

است. در روش بی.او.تی، مسئولیت ساخت و موفقیت پروژه بر عهده سرمایه‌گذاران خارجی است و دولت نباید برگشت سرمایه و منافع حاصل شده را تضمین نماید. متأسفانه همچون سایر موردهای ترتیبات قراردادی در این قانون، تعریفی از بی.او.تی در قانون و آیین‌نامه سرمایه‌گذاری مشاهده نمی‌شود. با وجود این برخلاف بیع متقابل که هیچگونه اشاره‌ای بر سایر انواع آن در ماده ۳ قانون مزبور ملاحظه نمی‌گردد، تبصره ماده ۳ قانون سرمایه‌گذاری به روش‌های ساخت، بهره‌برداری و واگذاری توجه نموده است و بابه کاربردن تعمدی کلمه «روش» به صورت جمع سایر انواع آن را نیز در بر گرفته است. در عین حال باید توجه داشت که سرمایه‌گذاران خارجی در ازای شرکت در پروژه‌های زیربنایی، معمولاً تقاضای تضمین بازگشت هزینه‌های ساخت و بعضاً تعهد به خرید خدمات به قیمت تعیین شده را دارند. این امر بدین جهت است که بخش‌هایی مانند تأمین برق و آب و فاضلاب با زندگی روزمره مردم سروکار دارد و در این بخش‌ها بیشتر ممکن است دولت‌ها در برابر فشارهای داخلی به دخالت در پروژه و قیمت‌های تعیین شده مبادرت ورزند. در این خصوص بیان ماده ۳ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی ایران ۱۳۸۰ روشنگر خواهد بود: سرمایه‌گذاری‌های خارجی که بر اساس مفاد این قانون پذیرفته می‌شود از تسهیلات و حمایت‌های این قانون برخوردار می‌باشند. این سرمایه‌گذاری‌ها به دو طریق زیر قابل پذیرش هستند: الف) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زمینه‌هایی که فعالیت بخش خصوصی در آن مجاز می‌باشد. ب) سرمایه‌گذاری خارجی در کلیه بخش‌ها در چارچوب روش‌های «مشارکت مدنی»، «بیع متقابل» و «ساخت، بهره‌برداری و واگذاری» که برگشت سرمایه و منافع حاصله صرفاً از عملکرد اقتصادی طرح مورد سرمایه‌گذاری ناشی شود و متکی به تضمین دولت یا بانک‌ها و یا شرکت‌های دولتی نباشد. تبصره -مادام که سرمایه خارجی موضوع روش‌های ساخت، بهره‌برداری و واگذاری مندرج در بند (ب) این ماده و سود مترتب بر آن مستهلک نشده است، اعمال حق مالکانه نسبت به سهم سرمایه باقی مانده در بنگاه اقتصادی سرمایه‌پذیر توسط سرمایه‌گذار خارجی مجاز می‌باشد. لذا، بنا بر قانون، سرمایه‌گذاری در سه شکل مذکور یعنی با ترتیبات قراردادی باید از لحاظ برگشت سرمایه و منافع حاصله خودکفا باشد و سرمایه اولیه و سود مورد انتظار از فعالیت و عملکرد سرمایه‌گذاری ناشی شود. هرگاه چنین نباشد و بازگشت سرمایه اولیه یا سود سرمایه‌گذاری متکی به تضمین دولت یا نهادهای دولتی باشد، مشمول حمایت قانون نخواهد بود. این ماده در دو مورد ممکن است مشکلاتی را به وجود آورد. اول، جذب سخت می‌شود، زیرا امکان تضمین دولت وجود ندارد. دوم، هرچند روش (بی او تی) در سرمایه‌گذاری خارجی به روش تبصره همین ماده سعی می‌کند تا حدودی خیال سرمایه‌گذار خارجی را راحت کند، به این معنی که تا زمان استهلاك سرمایه و سود مترتب بر آن الزامی به واگذاری نیست، ولی این تبصره یک اصل مهم این روش قراردادی یعنی مدت معین را لوٹ می‌کند.

۳- شرایط انتقال فناوری در قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی

نفوذ فناوری از طریق کانال‌های مختلفی می‌تواند صورت گیرد که هر کدام به نوعی به انتقال ایده‌ها و فناوری‌های جدید کمک می‌کنند. وارد کردن محصولات دارای فناوری پیشرفته، به کارگیری فناوری خارجی و به کارگیری نیروی کار بین‌المللی روش‌هایی برای انتقال فناوری بین‌المللی است. اما در کنار این روش‌ها، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که عمدتاً به وسیله شرکت‌های فراملی یا چند ملیتی انجام می‌شود، روش اصلی دسترسی به فناوری‌های پیشرفته به وسیله کشورهای در حال توسعه است. شرکت‌های فراملی عموماً شرکت‌هایی با فناوری پیشرفته هستند که بخش عمده سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه جهان را بر عهده دارند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نرخ رشد فنی و فناوری را در اثر تسری فناوری‌های پیشرفته و تجربیات مدیریتی از شرکت‌های خارجی به کشور میزبان افزایش می‌دهد. شرکت‌های فراملی دانش پیشرفته‌تری دارند که به آن‌ها که اجازه می‌دهد که کالاهای سرمایه‌ای را با هزینه کمتر تولید کنند. با این حال به کارگیری فناوری پیشرفته‌تر نیاز به حضور سطح کافی از سرمایه انسانی در اقتصاد کشور گیرنده فناوری دارد. وقتی سرمایه‌گذاری خارجی اقدام به سرمایه‌گذاری مستقیم در یک کشور در حال توسعه می‌کند به منظور بالابردن سود و میزان بازدهی سرمایه خود به ناچار فناوری‌های پیشرفته‌ای را به کشور میزبان منتقل می‌سازد، لیکن ایجاد بستر مناسب برای به کارگیری این نوع فناوری، مستلزم مشارکت شرکای محلی در مدیریت و مالکیت واحد ایجاد شده است که این امر فقط در قالب ساختار حقوقی مشارکت تجاری بین‌المللی مقدور و ممکن به نظر می‌رسد. (اخلاقی و بیابان‌گرد، ۱۳۷۹، ۳۳) به دلیل اطلاع و آگاهی شرکای محلی از وضعیت کشوری که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آن انجام می‌گیرد، بهره‌گیری سرمایه خارجی از مزیت‌های نسبی اقتصاد ملی و نیز متقابلاً بهره‌برداری اقتصاد ملی از فناوری‌های پیشرفته خارجی فراهم می‌گردد. همچنین از آنجا که در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، هزینه خاصی برای خرید فناوری پرداخته می‌شود و از سوی دیگر در دراز مدت، فناوری منطبق با نیازهای محلی و به اصلاح بومی می‌شود، این روش بهترین روش انتقال فناوری پیشرفته خارجی به شمار می‌آید. علی‌رغم اینکه در بسیاری از روش‌های سرمایه‌گذاری خارجی، امکان انتقال فناوری به صورت بالقوه وجود دارد و اگر همه شرایط مهیا باشد، انتقال فناوری تحقق خواهد یافت لیکن، اگر نیروی انسانی، بستر لازم، خواست طرفین و برخی فاکتورهای دیگر به صورت مطلوبی وجود نداشته باشند، به همان نسبت از کیفیت و اثربخشی انتقال فناوری کاسته خواهد شد. در واقع عوامل زیادی بر پیروزی و شکست انتقال فناوری در قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی اثرگذار هستند. بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی با هدف بهره‌برداری از ذخایر همچون نفت، گاز و معادن فلزات وارد کشورهای هدف می‌شوند و عملاً در قراردادهایشان اثری از انتقال فناوری و بومی‌سازی دانش فنی دیده نمی‌شود. این یکی از چالش‌هایی است که کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری خارجی در سال‌های اخیر با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. یکی از موارد دیگری که به تحقق انتقال فناوری در قراردادهای

سرمایه‌گذاری خارجی ضربه وارد کرده است، رویکرد شرکای بومی سرمایه‌گذاران خارجی به استفاده صرف و بهره‌برداری از فناوری وارداتی می‌باشد، به گونه‌ای که این شرکت‌ها دغدغه‌ای برای یادگیری فناوری در سطح طراحی و مهندسی و تحقیق و توسعه ندارند و بسیاری از آنها اصولاً از ظرفیت جذب کافی، جهت جذب و بومی‌سازی فناوری برخوردار نیستند. به طور مثال، در کشورمان ایران در دهه‌های اخیر، در حوزه مخابرات، خودرو و نفت، صدها میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده است، لیکن صرفاً خارجی‌ها فناوری‌ها را وارد ایران نمودند و طرف ایرانی یا دریافت‌کننده خدمات از این شرکت‌ها بوده یا در بهترین حالت، بهره‌بردار و مصرف‌کننده فناوری بوده و نیروی ایرانی نیز در سطح مونتاژگر و اپراتور باقی مانده و خبری از تحقیق و توسعه مشترک و دستیابی به دانش طراحی و مهندسی نبوده است. همچنین در برخی از کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری خارجی، بستر و زیرساخت‌های لازم نیز جهت دریافت فناوری‌های پیشرفته وجود ندارد و عملاً شرایطی جهت تحقق انتقال فناوری مهیا نمی‌باشد. از طرفی نیز عموماً صاحبان فناوری بیشتر به دنبال بازار کشور هدف هستند و علاقه زیادی به انتقال کامل فناوری ندارند و باید مشوق‌هایی آن‌ها را به سمت انتقال فناوری سوق دهد. با توجه، به شرایط گفته شده بر سر راه انتقال فناوری، موانع بسیاری وجود دارد و از طرفی نیز عوامل مختلفی همچون حمایت‌های دولتی، وضعیت اقتصادی، نوع کسب و کار، سرمایه انسانی و نظام مالکیت فکری گیرنده فناوری، در موفقیت انتقال فناوری اثرگذار هستند.

۴- اهمیت نظام حقوقی در رابطه با جذب سرمایه خارجی

دولت‌هایی که درصدد جلب و تشویق سرمایه‌گذاری در کشور و فراهم نمودن تسهیلات لازم در این خصوص می‌باشند، اقدام به وضع قوانین خاص می‌کنند. آنچه که سبب وضع اینگونه قوانین می‌گردد، ابتدا ایجاد احساس حمایت و اعتمادسازی برای سرمایه‌گذار خارجی است و دوم ضابطه‌مند نمودن قالب‌های سرمایه‌گذاری در کشور است. کشور ایران نیز همانند بیشتر دولت‌های جهان از این قاعده مستثنی نیست و قالب‌هایی جهت فعالیت سرمایه‌گذار خارجی تحت قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی به تصویب رسانده است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه جریان سرمایه خارجی همواره با رشد سرمایه‌گذاری داخلی همراه بوده است ولی محاسبه مقدار این همراهی در عمل مشکل و پیچیده است و به عواملی همچون میزان ادغام اقتصاد کشورها در بازار جهانی سرمایه، نوع سرمایه خارجی وارد شده به کشور و شرایط جذب سرمایه خارجی بستگی دارد. (سید علی اکبری، ۱۳۸۳، ۵۸) بسترسازی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی چهره‌های گوناگونی دارد که یک چهره آن زمینه حقوقی است. از منظر حقوقی آنچه اهمیت دارد، ارائه راهکارهای قانونمند و مطابق قاعده، برای سرمایه‌گذار خارجی از بدو ورود تا انجام فعالیت‌ها و حل اختلافات و نهایتاً بازگشت ایمن سرمایه، برابر موازین حقوقی است. البته هدف این نیست که سرمایه‌گذار خارجی بیش از بازرگانان داخلی پشتیبانی شود، بلکه هدف این است که به عنوان بیگانه، موازین حقوقی

قابل قبول، بر شئون مختلف فعالیت وی حاکم باشد. سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان محل تلاقی علمای حقوق، اقتصاد، سیاست و تاریخ، مورد توجه روزافزون است و همانند دیگر شاخه‌های بازرگانی بین‌المللی، شکل‌گیری دستاوردهای حقوقی چون عرضه‌ای تجاری، مقررات، اصول، قواعد، معاهدات و سازمان‌های تجاری مهمی را موجب شده است. اینکه طرف‌های اختلاف و مراجع رسیدگی کننده، به قواعدی مانند، احترام مالکیت سرمایه‌گذار خارجی، مصونیت اموال و دارایی‌های عمومی و ملی از تعرض، لزوم جبران خسارت ناشی از سلب مالکیت، لحاظ شرایط و اوضاع و احوال در تعیین میزان غرامت، اصول دادرسی عادلانه و دیگر قواعد حاکم در این زمینه، اعتقاد و التزام عملی داشته باشند. از یک سو، نگرانی سرمایه‌گذار خارجی را کاهش داده، از نظر وی، ریسک احتمالی سرمایه‌گذاری، کمتر می‌شود، از سوی دیگر دولت سرمایه‌پذیر نگران تضییع منافع ملی خود، در جریان دادرسی و حل و فصل اختلاف، نخواهد بود. بررسی انتقال فناوری از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران نشان می‌دهد که از نظر درجه انتقال فناوری، تنوع قابل ملاحظه‌ای در زمینه فعالیت‌ها وجود دارد. با در نظر گرفتن کلیه جوانب، انتقال فناوری‌های صورت گرفته به کشور، نسبتاً در سطح پایینی قرار داشته و اصولاً محدود به منابع مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی همراه با انتقال سخت افزار بوده که از لحاظ ادبیات انتقال فناوری، در مرحله اولیه و پایه‌ای است. (شاه میری و سلامی، ۱۳۹۰، ۳۲) جذب سرمایه‌گذاری خارجی منوط به تأمین امنیت و به ویژه امنیت حقوقی و قضایی است. تنها راه اطمینان دادن به سرمایه‌گذاری خارجی، اعمال اصول، قواعد و مقررات حقوقی مورد قبول است که این قواعد را باید در سرتاسر حقوق سرمایه‌گذاری خارجی اعم از مقررات داخلی و معاهدات دو یا چندجانبه و اسناد بین‌المللی جستجو کرد. در پرتو اعمال قواعد حل و فصل اختلاف سرمایه‌گذاری خارجی تأمین دو مصلحت دنبال می‌شود: ۱- ایجاد فضای امن حقوقی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی ۲- حفظ و تأمین منافع ملی در جریان حل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی. برای شناخت ویژگی حقوق سرمایه‌گذاری خارجی، باید به تفاوت عدالت داخلی و عدالت بین‌المللی توجه نمود. گاهی یک عامل در اختلاف بین‌المللی تعیین کننده است، در حالیکه همان عامل در اختلافات داخلی بی‌اثر یا کم اهمیت است یا بالعکس، برای مثال تابعیت قاضی مسأله‌ای است که در اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی به آن توجه شده است و هیچکس متقاعد نمی‌شود که تابعیت وی تأثیری در اجرای عدالت بین‌المللی ندارد. در حالیکه اثر تابعیت قاضی در حل اختلاف داخلی و به اصطلاح اجرای عدالت در عرصه ملی، در بیشتر کشورها به دلیل شرط تابعیت ملی برای تصدی منصب قضا، موضوعاً منتفی است. در حقوق داخلی، اصول و قواعد برخاسته از منابع داخلی حقوق است، لیکن در حقوق سرمایه‌گذاری خارجی، چنین نیست و نمی‌توان، منابع داخلی را تنها مأخذ قواعد مربوطه تلقی کرد. زیرا به دلیل دخالت عامل خارجی، موضوع رنگ و جنبه بین‌المللی می‌یابد. زمانیکه حل اختلاف سرمایه‌گذاری خارجی مطرح باشد، مانند هر حل اختلاف دیگری، لاجرم باید قواعد اصول حاکم بر آن را جستجو نمود، که این اصول و قواعد ممکن است شکلی بوده ناظر بر شیوه‌های حل اختلاف، صلاحیت

مرجع رسیدگی کننده، آیین رسیدگی، تعیین قانون حاکم و چگونگی شناسایی و اجرای رأی باشد، یا راجع به ماهیت موضوع، مانند احترام به مالکیت خصوصی، مصونیت اموال عمومی از تعرض، چگونگی میزان خسارت، رعایت حسن نیت و امثال اینها، باشد.

نتیجه گیری

سرمایه گذاری خارجی به دلیل ویژگی های خاص خود همواره به دنبال عوامل شکل گیری در کشورهای میزبان است. عوامل مختلفی وجود دارد که امکان موفقیت در جلب سرمایه های خارجی را افزایش می دهد. انتقال تکنولوژی یکی از مؤثرترین راه های پیشرفت و تولید تکنولوژی های جدید از کشورهای صاحب تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه می باشد. انتقال تکنولوژی با مکانیزم هایی از جمله: سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)، سرمایه گذاری مشترک، اعطای گواهی نامه ها، همکاری های مشترک شرکت ها، قراردادهای مشترک، صادرات کالا، همکاری برای توسعه و پیشرفت صورت می گیرد. با توجه به تأثیر زیاد انتقال تکنولوژی بر رشد اقتصاد کشورهای در حال توسعه، انجام اقداماتی برای جذب این سرمایه ها از کشور صادر کننده تکنولوژی و جذاب نشان دادن این کشورها برای سرمایه گذاری امری ضروری به نظر می رسد. انتقال تکنولوژی یکی از جنبه های مهم در فرآیند توسعه ظرفیت های بومی در تعاملات جهانی - محلی است. سرمایه گذاری مستقیم خارجی نقشی مرکزی را در انتقال تکنولوژی از کشورهای توسعه یافته بازی می کند، لذا برای کشورهایی چون ایران که در زمره کشورهای در حال توسعه محسوب می شود بستر سازی برای جذب سرمایه ها امری است که ضامن پیشرفت و توسعه این کشورها می شود. به طور کلی هر کشوری که در مجموع شرایط مناسب و بهتری را برای سرمایه گذاران خارجی فراهم نماید جاذبه بیشتری برای جذب سرمایه های خارجی خواهد داشت. ثبات سیاسی بی تردید نخستین و اصلی ترین عامل مؤثر در تصمیم گیری هر شخص سرمایه گذار است، با ایجاد فضای امن اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای سرمایه گذاران خارجی می توان به این مهم دست یافت. از جمله مهمترین دلایلی که سرمایه گذار خارجی را وادار می سازد به سرمایه گذاری در کشوری غیر از کشورش بپردازد، نرخ بازدهی بیشتر نیروی کار و مواد اولیه ارزان قیمت در کشور میزبان سرمایه گذاری است.

منابع

- ابراهیمی، مریم (۱۳۸۵)، «سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال با نگاهی بر قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱»، نشریه علمی پژوهش‌های حقوقی، دوره ۵، شماره ۹.
- اخلاقی، بهروز و بیابان‌گرد، حسین (۱۳۷۹)، «انتقال فناوری و جایگاه آن در سرمایه‌گذاری خارجی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۱۷.
- پیران، حسین (۱۳۹۳)، مسائل حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی، چ ۲، تهران: انتشارات گنج دانش.
- زارع، محمد حسن (۱۳۸۵)، سرمایه‌گذاری خارجی و سازمان‌های جهانی تجارت، چ ۱، تهران: نشر چاپ و نشر بازرگانی.
- سید علی اکبری، شکوه‌السادات (۱۳۸۳)، «بررسی روند انتقال سرمایه خارجی به کشورهای در حال توسعه»، مجله اقتصادی، شماره ۳۷ و ۳۸.
- شاه میری، فرهاد و سلامتی، رضا (۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر بر انتقال فناوری از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال هفتم، شماره ۲۷.
- شیروودی، عبدالحسین (۱۳۸۴)، قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری (بی‌او‌تی)، قم: دانشگاه تهران پردیس قم.